



جنگ ملایان با ماهواره‌ها

محمود بهنام

دور تازه‌ای از جنگ حکومت ملایان علیه تلویزیون‌های ماهواره‌ای آغاز شده است. در هفته‌ها و روزهای اخیر، مأموران نیروی انتظامی رژیم، با ورود به منازل مردم و مجتمع‌های مسکونی، به ضبط و جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره پرداخته‌اند.

اوایل ماه گذشته، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» رژیم، ضمن تأکید بر غیرقانونی بودن فعالیت‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای در ایران (و از جمله کانال «هما» در آمریکا و کانال «مهاجر» در آلمان که به نوعی با برخی از عناصر و دستجات حکومتی هم مرتبط هستند)، اعلام کرد که دولت برای جلوگیری از آنها اقدام می‌کند. بعد از آن، طبق معمول، اظهارهای مکرر برای جمع‌آوری بشقاب‌ها مطرح گردید و سپس هجوم مأموران برای برچیدن آنتن‌ها شروع شد.

محمد حسین صفار هرنندی، عضو سابق سپاه پاسداران و همکار فعال وزارت اطلاعات رژیم برای پرونده‌سازی و سرکوب اهل قلم، که اکنون بر مسند وزارت ارشاد نشسته است، در مصاحبه مطبوعاتی خود، در ۲۸ مرداد، در این باره گفت: «آنچه در ارتباط با ماهواره دارد اتفاق می‌افتد بر یک نگاه قابل دفاع مبتنی است. نیروی انتظامی به عنوان ضابط قانون می‌گوید قانونی وجود دارد که بر ممنوعیت استفاده از ماهواره تأکید کرده است. این قانون حالا به حق یا ناحق وجود دارد و مربوط به هر سالی هم که باشد مورد احترام است» و افزود: «نیروی انتظامی معتقد است که تنها آنتن‌هایی را جمع کرده که مشهود بوده‌اند و در قانون تأکید شده که از جرم مشهود

بی‌پایه است، و یا در مورد جنگ اخیر در لبنان، که همه کانال‌ها و رسانه‌های حکومتی تصویری کاملاً غیرواقعی و تبلیغاتی ارائه می‌کردند. تنها پخش فیلم‌ها و سریال‌های غالباً با مضمون «فیلم فارسی» یا «هندی» است که هنوز می‌تواند بینندگانی را به سوی این کانال‌ها بکشاند. نمایندگان مجلس رژیم نیز اخیراً طرحی را با عنوان، بومی کردن ماهواره و جلوگیری از صدمات آن، تهیه کرده‌اند که وزیر ارشاد هم، در همان مصاحبه پیش‌گفته، در آن باره اعتراف می‌کند که «من هنوز نمی‌توانم بگویم این کار چقدر شدنی است».

تهاجم تازه حکومت ملایان علیه تلویزیون‌های ماهواره‌ای، همراه با تداوم دیگر اقدامات سرکوبگرانه آن در عرصه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی بوده که، به ویژه در ماه‌های اخیر، شدتی فوق‌العاده یافته است. «کانون نویسندگان ایران»، در اعلامیه اخیر خود، با طرح محدودیت‌های شدیدی که در مورد کتاب، سینما و تئاتر، و فعالیت‌های فرهنگی به طور کلی، اعمال می‌شود، به واقع از یک «هجوم ویرانگر» یاد می‌کند.

در مورد چاپ و نشر کتاب، موانع و محدودیت‌های بیشتری به کار گرفته می‌شود، این موج جدید سانسور نه فقط شامل کتاب‌های تازه می‌شود بلکه کتاب‌های قبلاً منتشر شده را هم، که علی‌القاعده از فیلتر سانسور گذشته‌اند، در بر می‌گیرد. کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس رژیم درباره فعالیت‌های فرهنگی، حدود ۷۸ درصد کتب منتشره در سال‌های گذشته را موجب «اشاعه ابتدال» تشخیص داده و خواستار جلوگیری از پخش آنها شده است. کتابفروشان، به صورتی غیررسمی، فهرست «کتاب‌های ممنوعه» دریافت داشته و از فروش آنها منع شده‌اند. از مشارکت «اتحادیه ناشران» در برگزاری نمایشگاه کتاب جلوگیری به عمل آمده است.

ارگان‌های حکومتی در ماه‌های اخیر تلاش کرده‌اند که مانع از فعالیت‌های «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران» (که اکثر مسئولان آن را طرفداران اصلاح طلبان حکومتی تشکیل می‌دهند) بشوند. در حالی که بستن نشریات و محاکمه مدیران و نویسندگان جراید، به بهانه‌های گوناگون، ادامه دارد، سخنگوی دولت احمدی نژاد هم، شکایت این دولت علیه مطبوعات را، به اتهام «چاپ گزارش‌های کذب»، پیش «قاضی» مرتضوی برده است! «برادر صفار» هم، ضمن انتقاد شدید از کتب و آثار منتشره در دوره گذشته، از «زیاد» بودن تعداد خبرگزاری‌ها در ایران اظهار ناراحتی کرده و خواستار محدود شدن آنها شده است. قابل توجه است که همه خبرگزاری‌های موجود در کشور متعلق به این یا آن دستگاه و یا وابسته به جناح‌های مختلف حکومتی هستند و هیچ خبرگزاری مستقل و یا حتی خصوصی هم وجود ندارد.

تشدید سانسور و سرکوب، مسلماً، لطامت سنگینی را متوجه جامعه ما و خصوصاً اهل قلم و اندیشه و فعالان فرهنگی، هنری و مطبوعاتی می‌کند. اما مقاومت این فعالان و مردم نیز، به اشکال گوناگون، ادامه دارد و باز گرداندن فضای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی جامعه امروز به بیست سال پیش، چنان که سردمداران رژیم تصور می‌کنند، قطعاً عملی نخواهد شد.

جلوگیری شود». وی در پاسخ خبرنگاری که پرسید آیا برخورد با بشقاب‌های آشکار باعث ترویج روحیه پنهان‌کاری نمی‌شود، اظهار داشت: «جرم نباید مشهود باشد. مثل این است که در کشور ما شرب خمر جرم است چون خلاف بین و آشکار دستور شرع مقدس است اما اگر کسی در خانه خود مرتکب چنین فعلی شود کسی مأموریت ندارد در خانه‌اش او را دستگیر کند». اما «برادر صفار» در این مورد هم دروغ می‌گوید. زیرا نه فقط مأموران رژیم، در جستجوی آنتن، وارد منازل مردم می‌شوند بلکه بارها اتفاق افتاده (و در روزنامه‌های حکومتی هم چاپ شده) که مأموران تحت عنوان و بهانه دیگری داخل خانه‌های افراد شده و با یافتن یک شیشه پُر یا خالی مشروب الکی، آن را هم به عنوان «مدرک جرم» ضمیمه پرونده آنها کرده‌اند.

لکن همانگونه که پیدا بود، کار این دور جدید جنگ با ماهواره‌ها هم به جمع‌آوری بشقاب‌ها محدود نشد. وزارت ارشاد با صدور بخشنامه‌ای، در ۵ شهریور، هرگونه همکاری و مصاحبه ایرانیان با تلویزیون‌های ماهواره‌ای را هم ممنوع اعلام کرده و به «متخلفان» نسبت به «عواقب قانونی» آن هشدار داد.

تلاش‌های جمهوری اسلامی برای مقابله با تلویزیون‌های ماهواره‌ای، چنان که می‌دانیم، به هیچ وجه تازگی ندارد. اما شروع مجدد این قبیل تقلاها و تشدید سانسور، پیش از هر چیز نشانه آشکاری از شکست و درماندگی رژیم در این عرصه است. ده یا پانزده سال پیش از این هم مقابله با «پدیده ویدئو» مطرح و روزنامه‌ها آکنده از خبرهای کشف و ضبط نوارها و کاست‌های «مبتذل» بود. ولی تمامی تلاش‌های رژیم برای ممنوعیت آن به جایی نرسید. اگرچه رژیم هیچ‌گاه از اقدامات خود برای سانسور دست برنداشته است، اما در هر حال ناگزیر به پذیرش ویدئو در جامعه شده است. همین مسئله امروز هم در مورد امکانات و ارتباطات اینترنتی، جدا از تلویزیون‌های ماهواره‌ای، مطرح است. با توجه به مقاومت مردم و با در نظر گرفتن پیشرفت و گسترش شتابنده فن آوری اطلاعات در جهان امروز، روشن است که اقدامات رژیم برای مسدود کردن جریان اخبار و اطلاعات و بستن مرزهای کشور به روی امواج ماهواره‌ای، با همه سرسختی و لجاجت آن، نهایتاً ناکام خواهد ماند.

اما نه تنها تلاش‌های رژیم اسلامی برای جلوگیری از رواج و گسترش استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای تاکنون به نتیجه مورد نظر مورد نظر آن نرسیده است، بلکه طرح‌ها و تقلاهای آن برای ایجاد و «جایگزین» هم با شکست شدیدی روبرو گشته است و همین امر نیز، طبعاً، موجب روی آوردن عده بیشتری از مردم به تلویزیون‌های خارجی شده است. شش کانال تلویزیونی سراسری، که در حال حاضر توسط «صدای و سیمای» جمهوری اسلامی در داخل پخش می‌شود، برای غالب مردم از کمترین جذابیت برخوردار است. اخبار و گزارش‌های آنها همواره یکجانبه و در بسیاری از اوقات توأم با تحریف و دروغ آشکار است. چنان که مثلاً در مورد پرونده ماجراجویی‌های هسته‌ای رژیم، که غالباً آکنده از اطلاعات نادرست و رجزخوانی‌ها و تبلیغات